

\*در مطالب این صفحه، به دلیل رعایت امانت در ترجمه، از تغییر لفظ «کشته‌شدن» و مانند آن اجتناب شد

در گفت‌وگوی «فرهیختگان» با فیلسوف اخلاق و سیاست آمریکایی مطرح شد

## اقدام غیرقابل توجیه ایالات متحده



علیرضا خباز زاده رضایی

روزنامه‌نگار و مترجم

توماس مایکل اسکنلن Thomas Michael Scanlon فیلسوف معاصر، استاد سابق دانشگاه پرینستون و استاد ممتاز دانشگاه هاروارد و عضو انجمن فلسفه آمریکاست. حوزه مطالعاتی او منطق ریاضی، اخلاق و فلسفه سیاسی است. «چه چیزی را به یکدیگر مدیون هستیم» What we owe each other (۱۹۹۸) دشواری تساهل The difficulty of tolerance (۲۰۰۳)، وجوه اخلاقی: وجه جوازی، وجه معناداری، ملامت و قصور: Moral dimensions: permissibility, meaning, blame (۲۰۰۸) و «چرا نابرابری طرح می‌شود؟ Why does inequality matter» از جمله آثار او بشمار می‌روند. اسکنلن از جمله فیلسوفانی است که «قراردادگرایی» Contractualism را در فلسفه اخلاق معاصر احیا کرده است. از پروفیسور اسکنلن در باب وجوه اخلاقی و قانونی ترور ژنرال قاسم سلیمانی توسط دولت ایالات متحده پرسیده‌ایم. گرچه اسکنلن لفظ ترور و تروریسم دولتی را برای این اقدام خوش نمی‌دارد، اما به وضوح بر آن است که اقدام علیه ژنرال سلیمانی، قابل توجیه و دفاع نیست. اسکنلن وظیفه مردم ایالات متحده را اولاً درک غلط بودن چنین اقداماتی و ثانیاً تلاش در جهت ایجاد تغییر در دولت ایالات متحده دانست و ترجیح داد از وظیفه اخلاقی شهروندان ایالات متحده در قبال این ترور، بیش از این چیزی نگوید. متن مصاحبه «فرهیختگان» با توماس مایکل اسکنلن را در ادامه می‌خوانید.

|||

درباره ترور ژنرال قاسم سلیمانی، از نظرگاه اخلاقی چه فکر می‌کنید؟ همچنین درباره وجوه اخلاقی و قانونی آن چه می‌اندیشید؟

ایالات متحده و ایران در جنگ نیستند و [حتی] قتل ژنرال سلیمانی اقدامی برای «دفاع از خود» یا «استفاده‌های مشروع از زور در راستای بازداشت و محاکمه» نبود، بنابراین از نظر اخلاقی [ترور ژنرال سلیمانی] کاری غیرقابل توجیه و دفاع بود.

این اولین بار بود که دولت ایالات متحده مرتکب تروری می‌شد و سپس صراحتاً اعلام و اعتراف می‌کرد که «ما مرتکب آن شدیم». نظراتان درباره «تروریسم دولتی» ایالات متحده چیست؟

اگرچه [ترور ژنرال سلیمانی] مسلماً غلط بود، اما من آن را «تروریسم» نمی‌خوانم، چرا که هر کار خطایی مصداق تروریسم نیست و البته مطمئن نیستم که این اولین باری باشد که آمریکا دست به چنین اقدامی زده است [شاید تنها اقدام اخیر مشابه آن] قتل اسامه بن لادن باشد.

آیا چنین اقدامی یک بدعت [در سیاست خارجی ایالات متحده] محسوب می‌شود؟ می‌شود گفت برخی سیاست‌های دیگر - مانند تحریم‌های دارویی مستقیم و غیرمستقیم علیه مردم ایران - را بتوان تروریسم خاموش خواند و بنابراین چنین «اعلانی»، صرفاً یک اعتراف است و این روند جدیدی نیست. پس به طور کلی، ترور تنها سیاستی مختص به ترامپ یا یک سیاست تازه محسوب نمی‌شود.

نمی‌خواهم بگویم که این یک بدعت بود و در هر صورت - چه بدعت بوده باشد چه نه - به نظرم در حد این فکت و واقعیت ساده واجد اهمیت نمی‌رسد که این [کار] به لحاظ اخلاقی خطا بود. همچنین فکر می‌کنم که تحریم‌های علیه ایران نیز غیرقابل توجیه و دفاع است، گرچه جنایت یا ترور محسوب نیست.

وظیفه اخلاقی مردم آمریکا راجع به ترور ژنرال سلیمانی چیست؟ آیا اصلاً وظیفه‌ای دارند؟

به لحاظ اخلاقی وظیفه داریم که غلط بودن آنچه رخ داده را [چنانکه باید] دریابیم و مهم‌تر آن است که بکوشیم تا تغییری در دولت‌مان پدید آوریم.

یادداشت پیترو سینگر، فیلسوف استرالیایی و استاد دانشگاه پرینستون

## ترور حاکمیت قانون



می‌شود که در آن عوامل ایرانی قصد داشتند سفیر عربستان سعودی را در حالی که در رستورانی معروف در واشنگتن دیسی ناهار می‌خورد، در ایالات متحده به قتل برسانند.

تنها چیزی که ایالات متحده می‌تواند در دفاع از ترورهای خود بگوید این است که افراد واقعاً بدی را مورد هدف قرار می‌دهد و سفیر عربستان نیز آدم بدی نبود! این امر حاکمیت [این] آقایان را بالاتر از حاکمیت قانون قرار می‌دهد.

توجیه دیگری که پنتاگون برای این کشتار [اخیر] ارائه داد، ارجاع و اشاره مبهمی به «بازدارندگی از برنامه‌های حمله ایران» داشت. همان‌طور که کالامارد خاطرنشان کرد، این همان «حمله «عاجل» که برای «دفاع از خود» لازم می‌آید» نیست. چنان حمله پیشگیرانه‌ای از لحاظ حقوق بین‌الملل موجه است. وی همچنین خاطرنشان کرد که در این حمله [افراد] دیگری نیز کشته شده‌اند - طبق گزارش هادر مجموع هفت نفر جان باخته‌اند - و اظهار داشت که این مرگ [افراد] دیگر، به وضوح قتل‌هایی غیرقانونی بوده است.

خوانش دقیق متن جلسه مطبوعاتی سوم ژانویه که توسط سه مقام ارشد وزارت امور خارجه برگزار شد، طرز تفکر واقعی دولت ترامپ را نشان می‌دهد. در پاسخ به سوالات مکرر درباره توجیه ترور، یکی از مقامات، آن را با سقوط هواپیمای حامل دریا سالار ژاپن، ایزوروکو یاماموتو (Isoroku Yamamoto) - که در سال ۱۹۴۳ در حال بازدید از نیروهای ژاپنی در اقیانوس آرام بود - مقایسه کرد؛ حادثه‌ای که در اواسط جنگ [جهانی دوم] رخ داد، بیش از یک سال پس از حمله ژاپنی‌ها به پل هاربر (Pearl Harbor)، یک مقام دیگر گفت: «وقتی این سوالات را می‌شنوم مانند این است که شما بلژیک ۴۰ سال پیش را توصیف می‌کنید. این رژیم ایران است. ما ۴۰ سال اقدامات جنگی را که این رژیم علیه کشور هادر پنج‌قاره مرتکب شده است، در دسترس داریم.» در همان لحظه آن مقام رسمی که ترور را با قتل یاماموتو مقایسه کرده بود، اظهار داشت: «وای خدای من، ما باید توضیح بدهیم که چرا این کارها را انجام می‌دهیم؟»

اگر مقامات ارشد وزارت امور خارجه بر این باورند که ایالات متحده در یک جنگ عادلانه با ایران است، همان‌گونه که در سال ۱۹۴۳ در [مقابل] ژاپن [در حال جنگ] بود، قتل سلیمانی منطقی به نظر می‌رسد. طبق نظریه استاندارد [در] جنگی منصفانه، ممکن است دشمنان خود را هر زمان که فرصتی برای انجام این کار داشته باشید، بکشید. تا زمانی که اهمیت هدف مورد نظر در مقایسه با [اهمیت] خسارت [وارد احتمالی به] افراد بی‌گناه بیشتر باشد.

اما ایالات متحده با ایران در جنگ نیست. [چرا که] قانون اساسی ایالات متحده فقط به کنگره اختیار اعلام جنگ می‌دهد [در صورتی که کنگره] هرگز اعلان جنگ با ایران را اعلام نکرده است. [حتی] رئیس مجلس نمایندگان «نانسی پلوسی» اظهار داشت: «باید در مورد طرح قتل سلیمانی با رهبران کنگره رایزنی می‌شد. اگر ترور سلیمانی یک عمل جنگی بود، حق با نانسی پلوسی بود.

اگر از طرف دیگر این قتل، عملی مبتنی بر جنگ نبود، پس به عنوان یک ترور غیرقانونی نیز برای جلوگیری از حمله قریب‌الوقوع لازم نبوده است [چرا که] هم غیرقانونی و هم غیر اخلاقی بود. این اقدام نه تنها از نظر تشدید [اعمال] انتقام‌جویانه در خاورمیانه بلکه [از آنجا که خود موجب] کاهش بیشتر حاکمیت بین‌المللی قانون شده است، عواقب منفی شدیدتری را به همراه خواهد داشت.



علیرضا خباز زاده رضایی

روزنامه‌نگار و مترجم

به دنبال حمله هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا که منجر به کشته شدن فرمانده ارشد نظامی ایران و چند نفر دیگر شد، یک مقام ارشد وزارت امور خارجه در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت: «یا [حضرت] مسیح! [یعنی] ما باید توضیح بدهیم که چرا این کارها را انجام می‌دهیم؟» درحقیقت، قوانین حقوق بین‌الملل، متکی بر این است [یعنی] که باید توضیحی مبتنی بر قوانین حقوق بین‌الملل بدهید].

ملبورن - در تاریخ ۳ ژانویه، ایالات متحده، قاسم سلیمانی، یکی از فرماندهان ارشد نظامی ایران را به قتل رساند، در حالی که او در مسیر ترک فرودگاه بین‌المللی بغداد - با یک اتومبیل به همراه ابومهدی المهندس، رهبر عراقی کتائب حزب الله، یک شبه نظامی تحت حمایت ایران - بود. همه سرنشینان این خودرو کشته شدند.

روز بعد در یک نشست مطبوعاتی ویژه، یک مقام ارشد وزارت خارجه آمریکا - بدون ذکر نام - گفت که سلیمانی به مدت ۲۰ سال «معمار اصلی» حملات تروریستی ایران بوده است و ۶۰۸ آمریکایی را تنها در عراق کشته است. «وی افزود: «سلیمانی و المهندس توسط سازمان ملل متحد به عنوان تروریست معرفی شده بودند.» وی ادامه داد: «هر دوی این مردان مصداق واقعی مردان بد بودند.»

در سال ۲۰۰۳ اطلاعات آمریکا در مورد در اختیار داشتن سلاح‌های کشتار جمعی [توسط صدام] به‌طور کامل اشتباه بود. این اشتباهات منجر به حمله به عراق شد که راه را برای ورود و درگیری ایران و سلیمانی در آن کشور هموار کرد. اما اجازه دهید این بار فرض کنیم که حقایق آن‌گونه است که دولت ایالات متحده می‌گوید. آیا [این] ترور دوتایی [یعنی دو ترور قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس] از نظر اخلاقی قابل دفاع بود؟

ما می‌توانیم با این فرض شروع کنیم که گرفتن [حق] زندگی [از] یک انسان اشتباه است. رئیس‌جمهور دونالد ترامپ این موضوع را انکار نخواهد کرد. برای مثال، یک سال پیش او گفت: «من همیشه از اولین حق در اعلامیه استقلال مان» [= اعلامیه استقلال ایالات متحده] دفاع خواهم کرد؛ حق حیات. «ترامپ برای فعالان ضد سقط جنین خطابه می‌کرد، اما حق حیات - که در مورد جنین هاضم می‌کند باید در مورد افراد مسن نیز مصداق داشته باشد.

آیا «مردان بد» استثنا هستند؟ باز هم برای اینکه بحث را تا حد امکان صریح نگاه داریم، بیایید فرض کنیم «حق حیات» صرفاً ضمن حیات انسان‌های بی‌گناه است. [حال] چه کسی بناست بی‌گناهی را قضاوت کند؟ اگر موافق باشیم - همان‌طور که آمریکایی‌ها اغلب می‌گویند که برآند - یک دولت قانون‌ونه [دولت] افراد [باید در کار] باشد [و باید برای تصمیم‌گیری در مورد گناه یک روند قانونی طی شود. از سال ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی کیفری به دنبال اعمال این فرآیند در سطح جهان است. شورای بین‌المللی ICC موفقیت‌های قابل توجهی در تعقیب مجرمان جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت داشته است، اما دامنه [اعمال رای] دادگاه محدود است و با امتناع ایالات متحده از پیوستن به ۱۲۲ کشور دیگر که صلاحیت آن را پذیرفته‌اند، [این فرآیند توسط ایالات متحده] یاری نشده است.

در پی ترور سلیمانی، اگنس کالامارد، یک گزارشگر ویژه در مورد محاکمه غیرقانونی یا اعدام‌های خودسرانه در دفتر کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، خاطرنشان کرد: «هیچ نظارتی بر کشتارهای هدفمند، که فراتر از مرزهای یک کشور انجام می‌شود، وجود ندارد. عوامل کشتار صرفاً بدون طی هیچ‌گونه روند قانونی یا تایید هیچ بخش دیگری از حکومت تصمیم می‌گیرند چه کسی کشته شود. پذیرش چنین اقدامی باعث می‌شود کشف یا تشخیص هرگونه اعتراض اصولی نسبت به کشتارهای مشابه - که توسط سایر کشورها برنامه‌ریزی یا انجام شده - دشوار شود. این شامل «کافه میلان پلات ۲۰۱۱» که ظاهراً [ادعا شده] توسط سلیمانی برنامه‌ریزی شده [هم]